

سرمایه داری و کار زنان

جامعه سرمایه داری مدرن موارد بیشماری از فقر و سستی که مستقیماً قابل مشاهده نیستند را در خود مخفی کرده است. خانواده‌های پراکنده مردم تهیدستان شهرنشین، صنعتگران، کارگران، کارکنان و کارمندان دولتی دون پایه، با مشقات باور نکردنی زندگی می‌کنند و در **بهترین** حالات به سختی از عهده مخارج خود برمی‌آیند. میلیون میلیون زن در چنین خانواده‌هایی به عنوان «برندگان خانگی» زندگی می‌کنند (یا درست‌تر، به موجودیت خود ادامه می‌دهند) و با کوشش یأس‌آور روزانه تقلا می‌کنند که خانواده‌هایشان را با پول خرد غذا و پوشاک بدهند و در هر چیزی به غیر از کار خودشان «صرفه جویی» کنند.

از میان این زنان است که سرمایه داران با اشتیاق فراوان کارگرانی را استخدام می‌کنند که در منزل کار کرده و حاضرند با دستمزد بسیار نازلی «اندکی کمک خرج» برای خودشان و خانواده‌شان برای تهیه تکه‌ای نان خشکی بدست بیاورند. از میان آنهاست که سرمایه داران همه کشورهای (مانند برده داران دوران باستان و اربابان فئودال قرون وسطی) با «عادلانه‌ترین» قیمت هر تعداد صیغه‌ای را برمی‌گزینند. هیچ «خشم اخلاقی» (ریاکارانه در ۹۹ درصد موارد) در مورد فحشاء، نمی‌تواند کاری کند تا از تجارت بدن زنان جلوگیری شود، تا زمانی که بردگی مزدوری وجود دارد، فحشاء به ناچار باید وجود داشته باشد. در طول تاریخ جوامع بشری، همه طبقات ستم کشیده و استثمار شده همیشه مجبور بوده‌اند (استثمار آنها عبارت از این است) که ابتدا کار بدون مزد خویش را و سپس، زنانشان را به ستمکاران ارائه دهند تا صیغه گان «اربابانسان» بشوند.

برده داری، فئودالیسم و سرمایه داری از این لحاظ شبیه یکدیگرند. تنها شکل استثمار تغییر می‌یابد، استثمارگری باقی می‌ماند.

در پاریس، «پایتخت دنیا»، مرکز تمدن، اکنون **نمایشگاهی** از کار «زنان استثمار شده در خانه»، برپا شده است.

هر کالای نمونه برچسبی دارد که نشان می‌دهد زنی که در منزل کار می‌کند چقدر برای آن **دریافت داشته** و چقدر می‌توانسته است هر روز و هر ساعت دریافت دارد.

و چه چیزی می‌بینیم؟ **حتی یک نمونه هم نیست** که زن شاغل در منزل بتواند بیش از یک و ربع فرانک یعنی ۵۰ کوپک برای هر قلم به دست آورد، در حالیکه اکثر مشاغل درآمدی خیلی نازل‌تر از این دارند. مثلاً، آباژور سازی را در نظر می‌گیریم - هر دو جین چهار کوپک، یا کیسه‌های کاغذی: هر هزار تا ۱۵ کوپک، با مزد ۶ کوپک در ساعت، اسباب بازیهای کوچک روبانی و غیره: دو و نیم کوپک در ساعت، گلهای مصنوعی: دو یا سه کوپک در ساعت، و زیرپوش مردانه و زنانه: از ۲ تا ۶ کوپک در ساعت مزد می‌دهند. و به همین منوال تا آخر.

اتحادیه‌ها و تریونیونهای کارگری ما بایستی «نمایشگاه» مشابهی ترتیب دهند. این نمایشگاه آن سود سرشار حاصل از نمایشگاههایی را که توسط بورژوازی راه می‌افتد، تولید نخواهد کرد. یک نمایشگاه فقر و تنگدستی زنان پرولتر، منافی از نوع دیگر خواهد آورد: به بردگان مزدی، زنان و مردان، کمک خواهد کرد که شرایط خویش را تشخیص دهند، به «زندگی هایشان» نگاه کرده و بیاندیشند که چگونه خویش را از ستم ابدی فقر، نیاز، فحشاء و سایر تحقیرات وارده به فقیران نجات بخشند.

در ۲۷ آوریل (۱۰ مه) ۱۹۱۳ نوشته شد.	در پروادا شماره ۱۰۲، ۵ مه ۱۹۱۳ منتشر شد.
www.k-en.com info@k-en.com	تکثیر از: کمیونستهای انقلابی